اسلام در اسپانيا

(قسمت دوم)

محمد رضا سمّاك امانى‏

معمارى‏

مسلمانان در طول 8 قرن حكومت در اندلس، آثار بسيار زيبايى در معمارى پديد آوردند كه شهره جهان شد؛ به طورى كه جمعيت جهانگردانى كه هر سال براى ديدن اين آثار باستانى به اندلس مى‏آيند، از جمعيت اسپانيا نيز بيش‏تر است.(1)

اينك به معرفى شمارى از اين آثار مى‏پردازيم.

الف) عصر دولت امويان (138 - 422 ق)

1. مسجد جامع قرطبه‏

شاهكار هنر معمارى اسلامى در اندلس، مسجد جامع قرطبه است. عبدالرحمن اول كه در سالهاى 138 - 172 در اندلس حكومت مى‏كرد، در اواخر حكومت خود، اين مسجد را بنا نهاد. وى قبل از اتمام ساختمان مسجد درگذشت و جانشينانش آن را تكميل كردند. مسجد به شكل مستطيل است. مساحت صحن پوشيده مسجد 4886 متر مربع است. مساحت مسجد به انضمام صحن باز مسجد 12189 متر مربع است.(2)

مسجد جامع 9 درِ برنجى و 1293 ستون دارد. مهندسى ساختمان مسجد، شاهكارى بس بزرگ است. سقف بلند مسجد بر ستونى به ارتفاع 9 متر و قطر 25 سانتى متر بنا شده است؛ در حالى كه در آن عصر، ماهرترين مهندسان، قطر پايه‏هاى سنگى ساختمان را كم‏تر از چهارمتر قرار نمى‏دادند. طاقهاى نيم دايره‏اى شكل، ستون‏ها را به هم پيوند داده است. هر دو نيم دايره، نيم دايره سوم را به هم ارتباط داده و سقف را مرتفع‏تر ساخته است.(3)

گوستاولوبون درباره اين مسجد مى‏نويسد:

«يكى از كيفيات مخصوص اين مسجد، آن است كه براى تعادل تناسب ارتفاع با عرض فوق‏العاده آن، ضرورت، معمار را مجبور ساخته طاق مسجد و شبستان را بر بالاى دو رديف ستونهاى مطبّق قرار دهد و از اين ضرورت، منظره داخلى مسجد را فوق‏العاده بديع و حيرت‏انگيز كرده و قبل از بنا، هيچ جاى ديگر اين نوع معمارى ديده نشده و سابقه ندارد و همه نكته ظرافت معمارى عربى در اين مسجد، در ترتيب ساختمان هلالهاى مطبّق است كه فاصله ستونها و طبقات مختلف را به همديگر مربوط و مستحكم ساخته.»(4)

شبها، 000/10 آويز و شمعدانى مسى در مسجد جامع، فضاى مسجد را روشن مى‏كرد. محراب مسجد از بديع‏ترين آثار معمارى است. در بالاى محراب، هفت قوس كه طول هر كدام به اندازه قامت يك انسان است، به طور حيرت انگيزى روى ستونى استوار شده و در دو طرف محراب، چهار ستون قرار دارد.(5)

محراب و مقصوره از زيباترين بخشهاى مسجد است. محراب با موزاييكهايى با رگه‏هاى طلايى رنگ كه در ميان بقيه رنگها درخشش خاصى دارد، تزيين شده است.

نمازخانه و محراب مسجد داراى چند گنبد است. در سال 340 ق مناره اوليه به دستور عبدالرحمن اول ويران شد و مناره كنونى در ضلع شمالى صحن و در كنارِ درِ اصلى بنا گرديد. اين مناره، مربع شكل است.

پس از سقوط شهر قرطبه به دست مسيحيان، مسجد به كليسا تبديل شد و بسيارى از قسمتهاى مسجد از بين رفت، ولى هنوز آيات قرآنى كه بر روى سنگهاى محراب، ستونها، طاقها و ديوارها حك شده، نمايان است.(6)

2. مدينة الزهراء

دومين اثر بزرگ معمارى كه در عصر دولت امويان اندلس بنا شده، مدينةالزهراء است كه عبدالرحمن سوم و حَكَم دوم در سالهاى 324 - 350 ق آن را بنا نهادند.

شهر الزهراء، پايتخت حاكمان اندلس بود. بعد از سقوط اندلس، الزهراء رو به ويرانى نهاد. در سال 1910 م، باستان شناسان توانستند قسمتى از شهر را از دل خاك بيرون بياورند. بناهاى داخل شهر در سه رديف پلكانى شكل و با اختلاف سطح، پشت سر هم قرار گرفته است. رديف اول به قصرهاى خليفه، رديف دوم به منزل درباريان و نگهبانان اختصاص داشت. در رديف سوم، تاكنون بقاياى يك سالن بزرگ كشف شده است.

در ضلع شرقى حصار شهر، مسجدى است كه مانند مسجد قرطبه از پنج ستون عمود بر ديوار قبله تشكيل شده است. عناصر معمارى و تزيينى در مسجد الزهراء با مسجد قرطبه يكى است؛ با اين تفاوت كه معمارى اسلامى در مسجد الزهراء به اوج خود رسيده و كنده كاريهاى آن به جاى گچ، روى سنگ انجام شده كه پديده جديدى در هنر معمارى است. گوناگونى سبكها و نوآورى معمارى مانند تعدد طبقات طاقها و مشبك و متقاطع بودن آنها و گنبدهاى چند ضلعى از ابتكارات معمارى اين مسجد است.

ب) عصر دولتهاى پراكنده (400 - 536 ق)

بيش‏ترين آثار اين عصر از بين رفته است. بقاياى قصر جعفريه در «سرقسطه» كه به دستور مقتدر، در دوران دولت بنى‏هود (432 - 504 ه . ق) بنا شده است، اكنون وجود دارد. اين قصر به شكل مربع است و مسجدى كوچك و 8 ضلعى دارد كه تزيينات و عناصر معمارى آن الهام گرفته از معمارى مسجد قرطبه و مدينة الزهراء است.

ج) عصر مرابطون (448 - 542 ق)

بيش‏ترين آثار اين عصر از بين رفته است. از آثار بر جاى مانده از عصر مرابطون مى‏توان به قصر «كاستيلخو» در نزديكى «مرسيه» اشاره كرد.

د) عصر موحدون (524 - 667 ق)

از آثار به جاى مانده از عصر موحدون مى‏توان به بقاياى مسجد بزرگ اشبيليه (كليساى جامع كنونى) و برج الذهب (برج طلايى) اشاره كرد.

ه) عصر بنى نصر (635 - 897 ق)

بزرگ‏ترين اثر معمارى اين دوره، مدينة الحمراء است كه در نزديكى «غرناطه» قرار دارد و پايتخت حاكمان بود. مدينةالحمراء از سه بخش عمومى، نظامى و دربارى تشكيل شده كه در كنار هم قرار گرفته و داراى يك حصار مشترك است.

تزيينات معمارى الحمراء در اوج زيبايى است. از ويژگيهاى معمارى آن مى‏توان به استفاده از آجر به جاى سنگ و استفاده از هنر خطاطى به عنوان عنصرى اساسى در تزيينات نام برد.(7)

گوستاولوبون، درباره عظمت معمارى آن مى‏نويسد:

«هر چيز و هر جزء و كل اين بنا، اسباب حيرت است. مشاهده در و ديوار عمارت كه تمام در زير حجارى و نقش و نگارهاى لطيف مشبّك و برجسته پنهان است، مقايسه انواع قوسها و طاقها... آويزهاى مقرنس رنگارنگ... كه تمام سطح داخل گنبد قصر به آنها آراسته است، انسان را مبهوت مى‏سازند.»(8)

دانشمندان اسپانيا (اندلس)

در طول 8 قرن حاكميت مسلمانان بر اندلس، دانش بشرى رو به تكامل نهاد و دانشمندان مسلمان توانستند خدمات فراوانى در پيشبرد علوم مختلف، به جهان بشريت عرضه كنند.

اينك به معرفى شمارى از دانشمندان مسلمان اندلس مى‏پردازيم.

1. عبدالله بن حسين قرطبى (قرن سوم ق)

وى در ادبيات و تاريخ خبره بود. او از ياران خاص امام حسن عسكرى‏عليه السلام‏بود و «تاريخ قرطبى» اثر اوست.(9)

2. ابن مسرّه (269 - 319 ق)

ابن مسرّه در اندلس به دنيا آمد. فقه را در «قرطبه» نزد فقيهان مالكى فرا گرفت و فلسفه و عرفان را نزد پدرش آموخت. كتابهاى «التبصره» و «الحروف» از آثار اوست.(10)

3. ابن عبد ربه (246 - 328 ق)

معروف‏ترين اثر وى «عقد الفريد» است.(11)

4. ابن هانى اندلسى (320 - 362 ق)

وى بزرگ‏ترين شاعر اندلس است كه گرايش شيعى داشت و اشعار فراوانى در مدح امامان‏عليهم السلام‏سروده است. او به سبب همين اشعار به ارتداد محكوم و مجبور شد در 27 سالگى به مغرب فرار كند. وى در 42 سالگى به شهادت رسيد.(12)

5. مجريطى (متوفاى 395 ق)

وى در رياضيات، نجوم و شيمى خُبره بود. مهم‏ترين آثارش عبارتند از:

1. «التعليم بمرتبه» يا «كنز الفضائل» (در علم شيمى)؛

2. «كتاب الاحجار» (درباره معادن)؛

3. «تناسل الحيوانات» (درباره زيست‏شناسى)؛

4. «مسائل من حساب المثلثات الكروى» (در علم مثلثات)؛

5. «الاوزان فى علم الطبيعة و الكيميا» (در علم طبيعى و شيمى)؛

6. مقاله‏اى در شيمى؛

7. «روضة الحقائق و رياض الخلائق» (در علم معدن و شيمى).(13)

6. زهراوى (متوفاى 400 ق)

خلف بن عباس زهراوى از بزرگ‏ترين پزشكان اندلس به شمار مى‏رود. گوستاولوبون درباره او مى‏نويسد:

«زهراوى بزرگ‏ترين جرّاح قرطبه بود. او بسيارى از وسايل جراحى را اختراع نمود كه تصاوير آنها در كتابهايش آمده است. وى تحقيق كاملى درباره خرد كردن سنگ مثانه و كليه ارائه داد. از آثار او است:

1. المقالة فى عمل اليد (مقاله‏اى در جراحى دست)؛

2. اعمار العقاقير المفرده و المركبه (تاريخ مصرف داروهاى تك و تركيبى)؛

3. كتاب عن التغذيه (درباره تغذيه).».(14)

7. ابن حزم (383 - 454 ق)

ابن حزم در «قرطبه» متولد شد و فقه، حديث، تاريخ، فلسفه، ادبيات و پزشكى را در زادگاه خود فرا گرفت. وى در ابتدا، پيرو مذهب شافعى بود، اما بعداً پيرو مكتب ظاهرى شد. او كتاب «الفصل فى الملل و الاهواء و النحل» را درباره اديان و مذاهب نوشت.(15)

8. ابن عبدالبر (432 - 463 ق)

معروف‏ترين اثر وى «الاستيعاب فى معرفة الاصحاب» درباره اصحاب پيامبر اسلام‏صلى الله عليه وآله است.(16)

9. عبدالحميد بن عبدون اندلسى (قرن پنجم ق)

وى از علماى بزرگ شيعى و استاد شيخ طوسى (385 - 460 ق) است.(17)

10. زرقالى (قرن پنجم ق)

زرقالى در ستاره‏شناسى بسيار خُبره بود. وى «اسطرلابى» به نام «مأمونيه» ساخت. او در علم رصد و حركت اجرام فلكى، سرآمد منجّمان روزگار خويش بود. وى نخستين منجم رصدگرى بود كه دليل صريح حركت نقطه اوج خورشيد را بيان كرد. وى توانست عرض درياى مديترانه را كه خوارزمى به اشتباه، 62 درجه تعيين كرده بود، پيدا كند و اعلام نمايد كه هر عرض آن 42 درجه است. كتابهاى «صحيفه زرقاليه»، «العباديه» و «الحياة» از آثار او در ستاره‏شناسى است.(18)

11. ابن باجّه (475 - 533 ق)

ابن باجّه در «سرقسطه» به دنيا آمد. وى مدتى در شهر «فاس»، پايتخت دولت مرابطون مغرب، طبابت مى‏كرد. شهرت او در فلسفه و الهيات است. وى در كتاب «تدبير المتوحد»، مدينه فاضله خود را به تصوير كشيده است. كتابهاى «النفس» و «رسالة الاتصال» نيز از آثار اوست.(19)

12. ابن زُهر (483 - 557 ق)

ابن زهر در «اشبيليه» به دنيا آمد. وى وزير عبدالمؤمن، مؤسس دولت موحدون، بود. از آثار اوست:

1. صعوبات الجرب (مشكلات جرب)؛

2. التيسير فى المداوا و التدابير (راه آسان درمان و پيشگيرى)؛

3. الكليات (درباره پزشكى).(20)

13. غافقى (متوفاى 560 ق)

وى از بزرگ‏ترين گياه شناسان و پزشكان اندلس بود. او ساليان دراز به سرتاسر اندلس و شمال آفريقا سفر كرد و گياهان مختلف را جمع‏آورى و درباره خواص آنها تحقيق و آزمايش كرد و سرانجام كتاب «الادوية المفردة» را نوشت.(21)

14. ابن طفيل (520 - 580 ق)

وى در فلسفه، پزشكى، رياضيات، ستاره‏شناسى و شعر، تخصص داشت. مدتى وزير دولت موحدون و پزشك مخصوص «يوسف بن تاشفين» بود. مهم‏ترين اثر فلسفى او «حى‏بن يقظان» به سبك داستان نگارش يافته است.(22)

15. ابن رشد (520 - 595 ق)

وى در قرطبه به دنيا آمد. پدر و پدر بزرگش از فقيهان مشهور قرطبه و قاضى‏القضاة بودند. ابن رشد، بزرگ‏ترين فيلسوف مسلمان اندلس و از بزرگ‏ترين فيلسوفان مشّاعى قرون وسطى به شمار مى‏رود. وى آراى ارسطو را از شرح آن جدا كرد كه همين كار باعث شهرت او در اروپا شد. دانته، بزرگ‏ترين شاعر ايتاليايى، در كتاب «كمدى الهى» خود، به او لقب «شارح» داد. برتراند راسل، فيلسوف معاصر انگليسى، درباره تأثير او بر فلسفه مسيحى مى‏نويسد:

«اهميت ابن رشد در فلسفه مسيحى، بيش از فلسفه اسلامى است. او در فلسفه مسيحى مبدء و آغازگر است.»(23)

وى بر ستاره‏شناسى نيز تسلط ويژه‏اى داشت؛ به طورى كه توانست براى نخستين بار، كلف خورشيد را ثابت كند و مقاله‏اى درباره آن بنويسد. او كتابهاى بسيارى در فلسفه، پزشكى و ستاره‏شناسى نوشت كه ترجمه‏هاى عربى و لاتين آنها موجود است. از آثار او مى‏توان به «تهافة التهافه»، در نقد كتاب «تهافة الفلاسفة»، غزالى، اشاره كرد.(24)

16. ابن عربى (560 - 620 ق)

وى در «مرسيه» به دنيا آمد. ابن عربى از بزرگ‏ترين فيلسوفان و عارفان مسلمان به شمار مى‏رود. وى 846 اثر علمى از خود به يادگار گذاشت كه مهم‏ترين آنها عبارتند از: «الفتوحات المكيه» و «فصوص الحكم».(25)

17. ابن الحاج ابو العباس اشبيلى (متوفاى 647 ق)

از آثار اوست:

1. الامامة (درباره امامان دوازده گانه شيعه)؛

2. نقدِ صحاح ششگانه اهل سنت.(26)

18. ابن بيطار (متوفاى 648 ق)

وى بزرگ‏ترين گياه شناس و دارو ساز مسلمان است. در جزيره «مالاگا» به دنيا آمد و براى ادامه تحصيلاتش به قرطبه رفت. او به منظور تحقيق درباره گياهان به سرتاسر اندلس، آفريقا و آسياى صغير سفر كرد. وى مدتى در قاهره، رئيس گروه داروسازان دربار ملك كامل، حاكم ايوبى بود. كتابهاى «المغنى فى الادوية المفيده» (بى نياز كننده در داروهاى مفيد) و «الجامع فى الادوية المفرده» (درباره داروهاى حيوانى، نباتى و معدنى) از آثار اوست.

وى براى تأليف كتاب «الجامع فى الادوية المفردة»، ساليان دراز به مطالعه گياهان دارويى در بسيارى از كشورها پرداخت و 1400 دارو را در اين كتاب معرفى كرده كه حدود 200 نوع از اين داروها را مسلمانان براى نخستين بار معرفى كرده بودند.(27)

19. ابن ابّار (595 - 658 ق)

وى از دانشمندان و شاعران بزرگ شيعى اندلس است. سروده‏هاى وى درباره شهادت امام حسين‏عليه السلام‏در ديوانِ «درّ السمط فى اخبار السبط» و ديوان «معدن اللجين فى مراثى الحسين» گردآورى شده است. وى در 59 سالگى به شهادت رسيد.(28)

20. ابن سبعين (614 - 668 ق)

وى گياه شناس بود و در طبقه‏بندى گياهان تحقيق فراوان نمود. كتاب «پاسخ به پرسشهاى سيسيلى» او درباره طبقه‏بندى گياهان است.(29)

21. ابن مالك (605 - 673 ق)

وى از بزرگ‏ترين دانشمندان مسلمان در رشته دستور زبان عربى است. مهم‏ترين اثرش كتاب «الفيه» است كه دستور زبان عربى را در 1000 بيت گرد آورده و تاكنون متن درسى حوزه‏هاى علميه جهان اسلام است.(30)

22. لسان الدين ابن خطيب (متوفاى 713 ق)

وى از بزرگ‏ترين شاعران حماسه سراى اندلس است. مهم‏ترين قصيده او «رقم الحلل فى نظم الدول» درباره تاريخ اسلام در غرب؛ به قالب رجز سروده شده است.(31)

23. على بن عباس‏

على بن عباس از بزرگ‏ترين پزشكان مسلمان اندلس است. مهم‏ترين اثر وى در علم پزشكى، «الكتاب الملكى» است كه پيش از كتاب «قانون» ابن سينا، نخستين مرجع دانش پژوهان رشته پزشكى بود. اين كتاب در سال 1294 ق در دو جلد در قاهره چاپ شد.

بخشهايى از اين كتاب كه درباره معالجه سنگ مثانه و كليه بود، به زبان فرانسه ترجمه شد و در سال 1310 ق / 1892 م. در «ليدن» چاپ شد.

از آثار او است:

1. طب الامراض الجلدية العام (درمان بيماريهاى عمومى پوستى)؛

2. طب الامراض الجلدية الخاص (درمان بيماريهاى خاص پوستى)؛

3. تشريح المخ عند جالينوس (تشريح مغز از نظر جالينوس)؛

4. طب العيون (چشم پزشكى).

24. ابن خطيب‏

ابن خطيب از بزرگ‏ترين مورخان مسلمان به شمار مى‏رود. وى مدتى پزشك دارالخلافه و مسئول امور بهداشت اندلس بود و براى نخستين بار توانست راههاى سرايت بيماريهاى مسرى را شناسايى و دارويى براى پيشگيرى از سرايت بيمارى تهيه كند.(32)

25. ابن عوّام‏

وى گياه شناس و داروشناس بود. كتاب «الفلاحة» (كشاورزى) وى نخستين كتاب در رشته كشاورزى در جهان غرب بود. او در اين كتاب، تحقيق فراوانى درباره گياهان و درختها نموده و روش پرورش آنها را بيان كرده و آفات آنها را برشمرده و راههاى مبارزه با آفات را توضيح داده است.(33) اثر ديگر او «تربية الكَرم» توسط مونكادا در 1889 م. در استكهلم منتشر شد.(34)

26. يحيى بن حبيب‏

وى مخترع ساعت آبى است.(35)

ادامه دارد

پي نوشت ها:

1) دايرةالمعارف بزرگ اسلام، ج 10، ص 345.

2) همان، ص 112 ؛ نفح الطيب، ج 2، ص 85 ؛ الآثار الاندلسيه الباقيه، محمد عبدالله عنان، ص 22.

3) اسلام، در غرب، ص 152 - 153 ؛ نفح الطيب، ج 2، ص 85 ؛ اسلام در اندلس، مجله مشكوة، شماره 32، ص 113 ؛ هفت قرن فراز و نشيب تمدن اسلام در اروپا، ص 412 ؛ اسلام در غرب، ص 153.

4) تمدن اسلام در غرب، ص 697 - 698.

5) نفح الطيب، ج 2، ص 95.

6) اسلام در غرب، ص 154.

7) دايرةالمعارف بزرگ اسلامى، ج 10، ص 343 - 344.

8) تمدن اسلام و غرب، ص 365 - 366.

9) همان، ص 84 و 258.

10) تاريخ فلسفه اسلامى، هانرى كربن، ترجمه اسدالله مبشّرى، امير كبير، چاپ سوم، ص 293 - 295 ؛ اسلام در غرب، ص 321 - 322.

11) اندلس يا تاريخ حكومت مسلمين در اروپا، ص 205 ؛ العقد الفريد، ابن عبد ربه، دار احياء التراث العربى، چاپ اول، ج 1، ص 7 و 9.

12) تأسيس الشيعة، ص 206 - 207 و 286 - 287.

13) اسلام در غرب، ص 328 - 332.

14) تمدن اسلام و عرب، ص 633 - 634 ؛ اسلام در غرب، ص 340 - 342.

15) تاريخ فلسفه اسلامى، ص 298 - 304 ؛ اسپانياى اسلامى، ص 152 - 156.

16) اندلس يا تاريخ حكومت مسلمين در اروپا، ص 221 - 222.

17) تأسيس الشيعة، ص 227 و 255.

18) اسلام در غرب، ص 332 ؛ دانش مسلمين، ص 162.

19) اسلام در غرب، ص 324 - 326.

20) همان، ص 342 - 343.

21) همان، ص 337.

22) تاريخ فلسفه اسلام، ص 315 ؛ اندلس يا تاريخ حكومت مسلمين در اروپا، ص 166.

23) دانش مسلمين، ص 277 - 278.

24) دانش مسلمين، ص 159 ؛ تاريخ فلسفه اسلامى، ص 320 - 322 ؛ تمدن اسلام و عرب، ص 634.

25) سير فلسفه در جهان اسلام، ماجد فخرى، ترجمه كاظم برگ‏نيسى و...، مركز نشر دانشگاهى، چاپ اول، ص 271 ؛ اسپانياى اسلامى، ص 170 ؛ ريحانة الادب، ميرزا محمد على مدرسى، چاپ سوم، ج 5، ص 255 - 258

26) تأسيس الشيعه، سيد حسن صدر، انتشارات علمى، ص 131.

27) اسلام در غرب، ص 338 - 339.

28) همان، ص 282 - 286.

29) همان، ص 338 - 339.

30) اسپانياى اسلامى، ص 184.

31) همان، ص 185.

32) اندلس يا تاريخ حكومت مسلمين در اروپا، ص 232.

33) اسلام در غرب، ص 337 - 338.

34) دائرة المعارف بزرگ اسلامى، ج 4، ص 347.

35) همان، ص 161.